هأنن و نیسأنن ڤ زۆن لۆری

رسم‌الخط پاپریک ویژه نگارش زبان‌های مردم لر

غلامرضا مهرآموز

محمد موگویی

ď wé aw ê ā č   أ̂ أ ۊ و ۋ ۮ اْ ک̂

بسم الله الرحمن الرحيم

ڤانومنیاثن نیسأن و هأن ڤ ڵۆری

(آموزش نوشتن و خواندن به لری)

غلامرضا مهرآموز

محمد موگویی

حسین بیرانوند

تقدیم به ساحت مقدس و نورانی امام زمان و تمام شهدای دفاع مقدس.

سر شناسه : مهرآموز، غلامرضا، 1353-
عنوان و نام پدیدآور : ڤانومنیاێن نیسآئن و هآئن ڤ لۏری (آموزش نوشتن و خواندن به لری) / غلامرضا مهرآموز، محمد موگویی
مشخصات نشر : تبریز: اختر، 1396.
مشخصات ظاهری : 62 ص.
شابک : 7-977-517-964-978
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
عنوان دیگر : آموزش نوشتن و خواندن به لری.
موضوع : ویژه نگارش به زبانهای مردم لر -- راهنمای آموزشی
موضوع : Luri languages -- Study and teaching
موضوع : لری -- رسم‌الخط و املا -- راهنمای آموزشی
موضوع : Luri languages -- Orthography and spelling -- Study and teaching
شناسه افزوده : مومنی موگویی، محمد، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره : PIR3284/ آ22م9 1396
رده بندی دیویی : ج9فا4
شماره کتابشناسی ملی : 4774671



ڤانومنیاێن نیسآئن و هآئن لۏری
(آموزش نوشتن و خواندن به لری(ویژه نگارش به زبانهای مردم لر))
غلامرضا مهرآموز، محمد موگویی
حسین بیرانوند
ناشر: نشر اختر
چاپ اول 1396 / 62 صفحه/ قطع رقعی/ 1000 جلد
شابک: 7-977-517-964-978
مرکزفروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر
تلفن: 09141166897 و 35555393-041
قیمت: 7500 **تومان**

پیشگفتار

کتاب حاضر برای آموزش الفبای لری تدوین شده است. تاکنون برای مجموعه زبان ها و گویش های مردم لر رسم الخط‌های متفاوتی تدوین شده است. اما هیچ کدام تقریبا توفیق چندانی برای جلب نظر قشر فرهیخته و نویسندگان زبان لری پیدا نکرده است علت اصلی این امر متاسفانه کم کاری نخبگان و افراد تحصیلکرده لر در امر نوشتن به مجموعه زبانهای لری بوده است. رسم الخط حاضر حاصل تلاش آقای غلامرضا مهرآموز می باشد که در سال 1374 **تدوین گردیده است و در سال** 1394 **با همکاری آقای محمد موگویی ویرایش و اصلاحاتی به آن اضافه گردیده است.**

زبان لری زبان طبیعت ،موسیقی، حماسه و احساس است و نیاز به توجه خاصی را می طلبد و از سوی دیگر زبان لری یک زبان شفاهی است و بیشتر گنجینه های ادبی این زبان نامکتوب است و نیاز به بازنویسی و بازآفرینی دارد و حمایت از این زبان به رشد و تعالی فرهنگ ایرانی لرها غنای خاصی می بخشد و موجب استحکام و تداوم حیات ایران عزیزمان می شود.

محمد موگویی

بهار 1396

ضرورت تدوین خط لری از دیدگاه علمی

تلاش برای نگارش گفتار یکی از پردامنه ترین و پربرکت ترین تلاشهای بشری بوده است. بشر همواره در حال آزمایش و خطا برای رسیدن به نظام مطلوبی بوده است که بتواند گفتار خود را ثبت کند تا از این طریق بتواند با غایبین و آیندگان دور و نزدیک ارتباط برقرار کرده و افکار ، مفاهیم و احساسات خود را به آنها منتقل کند .انسان موجودی اجتماعی است و احساس نیاز به ارتباط با دیگران تنها شامل حاضرین در محل نبوده است بلکه او می خواسته است ارتباط او مرزهای زمان و مکان را درنوردد و این آرزو که در ابتدا همچون پرواز آرزویی دوردست یا دست نیافتنی می نموده است با اختراع خط و نظام های نوشتارهای جامه عمل به خود پوشانده است. مصریان، چینیان و فینیقیان پیشتازان تحقق این آرزوی بزرگ و تمدن ساز بوده اند. پس از آن هر جامعه زبانی به فراخور زمان یک نظام نوشتاری را اقتباس نموده و تغییراتی در آن انجام داده است تا نیازهایی را برآورده کند که خط اقتباسی نمی توانسته است به شکل دست کاری نشده انجام دهد یکی از نمونه های موفق چنین اقتباسی ، خط فارسی مبتنی بر الفبای عربی است که با ابداعات و تغییرات مفیدی توانسته است در خدمت نگارش زبان فارسی واقع شود.

گفتار لری – چه آن را زبان بنامیم یا گویش- دارای مشخصه های فراوانی است که خط فارسی نمی تواند آن را به درستی به نگارش در آورد. مثلا چگونه می توان با رسم الخط فارسی واژه « شیر»/shi:r/ (نوعی حیوان) را از « شیر» /shir/ (محصول لبنی) تشخیص داد. در فارسی معاصر تفاوتی بین تلفظ این دو کلمه وجود ندارد ولی در زبانهای حوزه زاگرس وجود دو نوع صدای «ای» که موجب تغییر فاحش معنا می شود اثبات شده است. در لری مینجایی (لرستانی) و لکی نوعی صدای «ل» وجود دارد که با «ل» متداولی که در فارسی می شنویم و در لری مینجایی و لکی نیز وجود دارد متفاوت است. این صدا که گویی ترکیبی از همخوان های « ل» و «ی» است در فارسی نمادی ندارد و تلفظ آن برای فارس زبانان بسیار دشوار است ولی نکته اصلی آن است که معنی را عوض می کند «تَل »/tal/ با صدای ل متداول در فارسی یعنی تلخ ولی با «ل» دیگر که اشاره کردیم /taL/ یعنی «نهال». صدها مثال می توان در این خصوص آورد که این همخوان «ل» ناشناخته در فارسی موجب تمایز معنا در لری مینجایی و لکی می شود. به عبارت دیگر در اصطلاح زبانشناسی « جفت کمینه» (minimal pair) دارد و خود یک تکواج(phoneme) مستقل است که نمود آن باید با ابداع کاراکتری در خط حاصل شود. همچنین تکواج های دیگری در زبانها یا گویش های حوزه زاگرس وجود دارد که در فارسی نظیری ندارند که در اینجا جهت اختصار به آنها اشاره نمی کنیم.

علاوه بر این،تلفظ خاص بسیاری از کلمات که واجهای آنها در فارسی معادلی دارد باعث شده است نتوان آنها را به راحتی با خط فارسی نوشت. مثلا محقق در بررسی خود بر روی نمونه

های مختلفی که تلاش کرده بودند واژۀ معادل پدر را بنویسند با انبوهی از ثبت های مختلف مواجه شد: « بوئه، بووئه، باوئه، بووا،باوه، بوعه، باوء و ...» حتی در مورد این یک کلمه اگر مثلا ضمیری مانند «م» به آن وصل شود ناهماهنگی ها در ثبت بسیار بیشتر می شود :« بوئه م، بوام، بوئم، بووام، بوعه م، بوعم، باوه م، باوم، بووم، بوء م، بووئه مریال بوئه ام و ...». نکته جالب آن است که تمامی این ابداعات تلاشی برای حل مشکلی است که خط فارسی نمی تواند راه حل مشخصی برای آن ارائه دهد. حال ممکن است که این سؤال پیش آید در حالی که صداهای /au/ و فتحه /a/ در فارسی وجود دارند چرا خط فارسی نمی تواند شیوه نگارشی برای ثبت معیار این کلامات ارائه دهد. پاسخ به این پرسش را باید در چیزی یافت که زبانشناسی به آن «phonontactics» می گوید یعنی ترتیب چینش واج ها و آواها کنار هم. درست است در فارسی هم صدای /au/ وجود دارد و هم /a/ (فتحه) ولی نمی توان کلماتی پیدا کرد که در آن این دو صدا در کنار هم آمده باشد.پس بطور منطقی نتیجه می گیریم چون چنین مشکلی برای نگارش و ثبت زبان فارسی وجود نداشته است راه حلی برای ثبت ان نیز ارائه نشده است ولی هنگامی بخواهیم زبان ها یا گویش هایی را ثبت کنیم که phonotactics متفاوتی دارند این مشکل نمود پیدا می کند .

مسأله دیگر که خوانش لری با خط فارسی را بسیار دشوار می سازد این است که نگارش بسیاری از واژگان لری بر مبنای خط فارسی منجر به تولید کلماتی می شود که شکل نوشتاری یکسان ولی تلفظ ها و معانی متفاوتی دارند به اصطلاح زبانشناسی واژه های « هم نویسه » (homographs) بسیاری را تولید می کند. واژگان هم نویسه در همه زبانها وجود دارند ولی در بسیاری از زبانها مانند فارسی از آنجا که سابقه نوشتاری و آموزش چندین قرنی و حتی هزاره ای دارند این مشکل به راحتی و. با اندک زحمتی برای خواننده حل می شود. واژگانی مانند درد (با تلفظ های dard و dord) یا سم (با تلفظ های sam و som) نمونه هایی از واژگان هم نویسه در فارسی هستند که خوانندگان با توجه به تجربه طولانی با کتابت فارسی و بافت جمله (context) به راحتی تلفظ و معنای صحیح آن را در می یابند. اما در زبانی مانند لری که خوانندگان سابقه خوانش و نگارش آن را ندارند و گاه خواندن چند سطر لری نویس مخصوصا اگر به لری اصیل باشد برایشان از هر کار دیگری سخت تر است نمی توانند از این مزیت خط فارسی برای خوانش زبان فارسی درمورد لری هم استفاده کنند. وانگهی در بررسی ها معلوم شده است که مثلا تغییرات فتحه، کسره و ضمه در لری بیشتر از فارسی موجب تغییر معنا می شود. کلمه ساده و دو حرفی « کر» را در نظر بگیرید اگر روی ک فتحه بیاید یعنی ناشنوا، اگر ضمه بیاید یعنی «پسر» و اگر کسره بیاید یعنی « جمع شده از شدت درد». وانگهی در لری دو نوع ضمه و کسره وجود دارد که گاه معنی را عوض می کنند.مثلا در لری خرم آبادی و لکی « مل» (با همان ل که در فارسی متداول نیست) با فتحه روی م یعنی پرنده، با کسره فارسی

واقع بر م یعنی « میل، خواهش» و با یک نوع کسره خفیف که در زبانشناسی به آن schwa (شوآ) می گویند یعنی «گردن».
ممکن است برخی استدلال کنند که چرا از «الفبای بین المللی آوانگاری» (IPA) استفاده نشود. به طور خلاصه در جواب می گوییم اولا برای آموزش الفبای بین المللی آوانگاری به عموم مردم همان زحمتی را باید کشید که در معرفی یک رسم الخط جدید باید بر عهده گرفت. ثانیا IPA هیچگاه به عنوان نظامی نوشتاری دارای هویت یک خط معرفی نشده است بلکه در بررسی های علمی آواشناختی و واجشناختی و همچنین در فرهنگ نگاری استفاده می شود. اضافه بر آن با هویت فرهنگی ما منافات دارد زیرا موجب گسست از الفبای فارسی و عربی و به تبع آن گسست فرهنگی می شود. تا کنون در هیچ جای دنیا نیز از IPA در حکم خط یک جامعه زبانی (Community Linguistic) استفاده نشده است.
هرچند تلاش برای تدوین رسم الخط لری در مقایسه با دیگر زبانها سابقه ای طولانی ندارد و به دهه های اخیر بر می گردد (مثلا تلاشها در زبان کردی تقریبا 1860 شروع شده است) در زمینه ابداع خط برای نگارش لری تا کنون چندین تلاش مدون صورت گرفته است، از جمله:

1- **خط لری آساره (1369 شمسی)**
2- **خط لری پاپریک (1374 شمسی)**
3- **خط لور (1385 شمسی) مورد حمایت نشریه فرهنگی و اجتماعی لور**
4- **خط زاگرس (13992 شمسی) مورد حمایت جهاد دانشگاه لرستان تلاش برای تدوین خط لری نیازی است برگرفته از ملاحظات علمی و پژوهشی و نه یک تمایل قومیتی گرایانه کما اینکه جهاد دانشگاه لرستان با همکاری اداره ارشاد و فرهنگ و بنابر نقل خودشان با حمایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی که همگی نهادهای رسمی و قانونی کشور عزیز ما ایران هستند نیز این ضرورت را درک کرده اند و به تدوین خطی برای نگارش لری همت گماشته اند.**

رسم الخط پاپریک رسم الخطی است مبتنی بر حروف الفبای فارسی و عربی که با ایجاد تغییراتی در برخی از کاراکترها برای خوانش و نگارش به زبان ها و گویش های مختلف مردم لر تدوین گردیده است. در زبان لری تعداد قابل توجهی از همخوان ها (صامت ها) و واکه ها (مصوت ها) وجود دارد که در خط فارسی و عربی نظیر آن موجود نیست از اینرو ابداع کاراکترهایی مبتنی بر الفبای فارسی و عربی یا تغییر و بازتعریف کاربری الفبای برخی خطوط عربی مبنای زبان های دیگر جهت رفع نیازهای خوانداری و نوشتاری زبان لری ضروری می نمود. با توجه به گستره جغرافیایی وسیع زبان لری جهت استخراج داده های اولیه برای شناسایی واج ها از مطالعات کتابخانه ای، پرسش از پژوهشگران، و حضور در بین جمعیت

گویشوران هدف در استان های همدان، لرستان،ایلام، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و فارس ، ضبط و نگارش داده ها استفاده گردیده است.
همچنین در ویرایش آن از یافته های جدید و حضور گویشوران هدف در فضای مجازی جهت استخراج و راستی آزمایی بیشتر داده ها بهره گرفته ایم. بدون تردید رسم الخط پاپریک همچون همه رسم الخط های جهان به دلیل ماهیت پیچیده نوشتار ادعای کامل و بدون نقص بودن ندارد ولی کوشش شده است تا حدامکان پاسخگو باشد و همچنان آمادگی ویرایش های احتمالی در آینده را نیز داریم.

غلامرضا مهرآموز

اسفند 1392

جدول الفبای لری

دربرگیرنده ی همه ی شاخه های زبانی مردم لُر (لکی،مینجایی،بختیاری،جنوبی و ....)

- **الفبای لری**

آ ٱ أ اْ ب ت ث ج چ ح خ د ذ ذ̂ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ڤ ک ک̂ گ گ̧ ل ل̂ و وٚ ۋ و̂ ۊ ؤ ن̆ ن ه ئ ی̂ ی

- حروف (ث ح ذ ص ض ط ظ ع) تنها در شیوه نوشتار نیمه آوانگار استفاده میشوند و جز الفبای اصلی لری نمی باشند .

	لری	فونوتیک	فارسی	لری (خطلورتین)	نمونه نوشتار
1	آ ـ ا	a	آ ـ ا	ā	آساراٛ
2	اٚ	ɑː	(فَتحه) اَ	a	اٚفتۊ
3	اٛ	æ	(کَسره) اِ	e	اٛنسان
4	اْ	ao	شوا(کسرهکوتاه) در فارسی وجود ندارد	ê	زیرناْخیز – باْرار
5	ایـ یـ ی	ī	ایـ یـ ی	i	ایراٚ ـ ایماٚ
6	بـ ب	b	بـ ب	b	باٛرد ـ باٚلگ
7	پـ پ	p	پـ پ	p	پیل، پاٚلامار
8	تـ ت	t	تـ ت	t	تاٚش ـ تیار
9	جـ ج	dʒ	جـ ج	j	جاٛمشیر، جیا
10	چـ چ	tʃ	چـ چ	č	چی- چیل
11	خـ خ	x	خـ خ	x	خۊم - خورزمار
12	د	d	د	d	دایا - دۊنسماٚند

13	ذ	dh	(دال معجم) در فارسی وجود ندارد	đ / ď	دوهذآر - باذ
14	ر	r	ر	r	رآهذوم – ریڤار
15	رٚ	rr	(ر مشدد) در فارسی وجود ندارد	rr	کـرٚ داڤوَد
16	ز	z	ز	z	مآزونم – زوما
17	ژ	ʒ	ژ	ž	تآژگا – روژ
18	سـ س	s	سـ س	s	سامون – سیمو
19	شـ ش	ʃ	شـ ش	š	شانازی - شیر
20	غـ ـغـ ـغ غ	G	غـ ـغـ ـغ غ	ğ	غآریڤ – جآرغآ
21	فـ ف	f	فـ ف	f	فآن باز- فئرآ
22	قـ ق	q	قـ ق	q	قارنیذن - قآپ
23	ڤـ ڤ	w	واو	v	ڤولات – ڤارگآ

سیڤ - گولاڤ	w	(واو لری) در فارسی وجود ندارد	wʔ	ڤ	24
کال، کار	k	کـ ک	k	کـ ک	25
کٛۊچق – کٛینی	ķ	(ک لری جنوبی) در فارسی وجود ندارد	kʔ	کٛـ کٛ	26
گۊلق - گرهذن	g	گـ گ	g	گـ گ	27
شنڲ - سٲنڲٲر	ńg	(انیگما) در فارسی وجود ندارد	gʔ	ڲـ ڲ	28
لیڤٲ - لیر	l	لـ ل	l	لـ ل	29
تولٛ - کیسلٛ	ł	(لام فیلی) در فارسی وجود ندارد	lʔ	لٛـ لٛ	30
می – مٲچم	m	مـ م	m	مـ م	31
نازار - نئـها	n	نـ ن	n	نـ ن	32
برارۊنٚ- نۊنٚ	ň	(نون پنهان) در فارسی وجود ندارد	n	نٚ	33
اورٲک - گور	o	(ضمه) اُ	o	او و	34
اۊمام - بۊشهر	u	ضمه کشیده	ū	اۊ ۊ	35

36	ۋ	ow	(واو غنه) در فارسی وجود ندارد	aw/ow	شۋ – ایمشۋ
37	ۆ	ūo	(ضمه فیلی) در فارسی وجود ندارد	ö	دۆ - تۆ
38	ؤ	uu	(ضمه مینجایی) در فارسی وجود ندارد	ü	مؤرم
39	هـ ه	h	هـ ه	h	هۋناٛ، هومال
40	ئ	**hamza**	همزه	-	اۋمائن - دیئن
41	ایٛـ یٛـ یٛ ایٛ	e	(یاء مجهول) در فارسی وجود ندارد	î	هیٛل - بیٛل – شیٛر
42	یـ ی	y	یاء	y	یو چناٛ ؟ - یار

کوت یاَکم:

اَ : سی فاَتاَ (برای فتحه)

اَسب؛ باَرد؛ هوناَ.

کار گاَپیٔ کرداَ.

داَسم اُشکس

اَسر اَ چاَمم نمائ.

بیِائیت چاَن گلاَ چی باَنیسیِم.

ارس،...

امان...

ایساَ چاَن گلاَ چی باَنیسیِت کاُ اَ دش با.

..

..

کوت دؤئم

آ

آسمو فرٱ رٱنگپیناٱ.

آسارٱ دوختر نازاریٛاٱ.

آهو چی فرشتاٛ.

بیٛاییٛت چاٱن گلاٱ چی بٱنیسیٛم.

آرمان...

آسمان..

ایساٛ چاٱن گلاٱ چی بٱنیسیٛت کاْ آ دش با.

...

...

کوت سیٔیم:

أ : سی کاَسراَ(برای کسره)

مئن دلوم درد گرَوناْ.

ایشا مآلی أراذاْ دارین.

بیٚائیت چاَن گلاَ چی باَنیسیٔم.

ارشاد...

الهه..

ایساْ چاَن گلاَ چی باَنیسیٔت کاْ أ دش با.

...

...

کوت چارم:

اْ سی شۊآ(برای شوا)

آستاراْ

چاٙتاٙ ماْ

ڨولات آندورا غلاٙڨاْ کۊچیراْ.

ایشا ماٙلی اْنسانین.

بیاْیت چاٙن گلاٙ چی باٙنیسیْم.

اسم...

انسان...

ایساٙ چاٙن گلاٙ چی باٙنیسیْت کاْ اْ دش با.

....

....

كوت پأنجم:

ب

گول باڤيناۍ مو.

بِيٚا هوناٚ ايٚما.

با مال ايٚماٚ.

بِيٚايٚت چاٚن گلاٚ چى بأنيسيٚم.

بادام..

بار..

ايسأ چاٚن گلاٚ چى بأنيسيٚت كأ ب دش با.

..

..

کوت شیشم:

پ

حسن پیٛا خوٙیکاٗ.

مو قاٙ پا پیٛاذاٛ راٗهذوم هوٙناٛ.

مو پیٛاذاٗ راٗتوم مال.

ماْ پیلٛ جاٗم میکم.

بیٛایٛت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛم.

پاپا..

پل...

ایساٛ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛت کاْ پ دش با.

....

....

كوت هأفدم:

ت

تۆ مێائی هوناً ایما.

لاشوم تۆ دارأ.

تۆ فتی مأ هاماً مال.

بێائیت چاًن گلاً چی بأنیسیئم.

تیمار..

تو...

ایسأ چاًن گلاً چی بأنیسیئت کأ ت دش با.

...

..

كوت هٱشدم:

ث

راساگٱ ثٱلاث ها د چار آستۆن.

ثولث سئيوم رد بيئم.

ٲ ڵكى ڤاْ موثلاٱث مۆشن چارسۆيک.

بيٲيت چاٱن گلاٱ چى باٱنيسيٲم.

مثلث..

ثلاثى..

ايساْ چاٱن گلاٱ چى باٱنيسيٲت كاْ ث دش با.

....

....

كوت نؤئم:

ج

مو جيجأ داروم.

جافر پيٌا خؤيكاٌ.

بيٌائت چاٌن گلاٌ چى بأنيسيٌم.

جنجال..

جان..

ايسأ چاٌن گلاٌ چى بأنيسيٌت كأ ج دش با.

....

....

کوت داٚیٛم:

چ

اٚ کاْ داٚردم چاراٚ نیٛیری.

کار رۆزگار چۆڤاشاٚ بیاٚ.

تئنایی چاٛ لیشاٛ.

بیٛاێت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

چرا...

چم...

ایساٛ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاْ چ دش با.

....

....

کوت یازدٱیٔم:

ح

حاٌمید کور خۆییکاٌ.

حلالم باٌک.

بیٛایٛت چاٌن گلاٌ چی باٌنیسیٛم.

حسین..

محال...

ایساٌ چاٌن گلاٌ چی باٌنیسیٛت کاٌ ح دش با.

....

....

کوت دأڤازدأيۏم:

خ

ڤيرم گرتأ خيالت.

آڤ ليخنأ.

مونأ ساذأ خيال.

بێايۏت چأن گلاٚ چی بأنيسيۏم.

آموختار..

اختيار..

ايسأ چأن گلاٚ چی بأنيسيۏت کأ خ دش با.

..

..

کوت سیزاٟیٞم:

د

دا تونی دار و نذاروم.

دلم سزیا.

دیٞارت نیٛ.

بیٞایٞت چاٟن گلاٟ چی باٟنیسیٞم.

سردیار..

دار..

ایساٛ چاٟن گلاٟ چی باٟنیسیٞت کاٛ د دش با.

..

..

کوت چارداٗیٛم:

ذ

ایما ذلاٗت نیپاٛذیریم.

پاٗذیرش بیمارستان هایناٗ کق.

دم گذاٗشت باٗکو.

بیٛاییٛت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛم.

ذلالت...

لذت...

ایساٛ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛت کاْ ذ دش با.

...

...

كوت پومزآئم:

ذ

مو رآهذوم.

لاهاذومس ب هقوناً.

بئائت چاآن گلاً چى بآنيسئم.

آذوم..

زياذ...

ايساً چاآن گلاً چى بآنيسئت كاْ ذ دش با.

..

..

كوت شومزاۜيۛم:

ر

ماْ اۜر سر دۆسى ماۜنم.

سلادار تو كيناۡ.

سزاڤارت بيماۜ.

بيۛاۛيۛت چاۜن گلاۜ چى باۜنيسيۛم.

ريواس...

آكر...

ايساۡ چاۜن گلاۜ چى باۜنيسيۛت كاْ ر دش با.

...

...

کوت هبدٱيۺم:

ڕ

بلڕن سر ای کيچاٗ.

ای جۊماٗ دڕيا.

مڕارت دارآ ای يار.

بيۺاۺت چاٗن گلاٗ چی باٗنيسيۺم.

لڕ..

ماٗگيڕدم...

ايساۡ چاٗن گلاٗ چی باٗنيسيۺت کاۡ ڕ دش با.

....

....

کوت هڗدٱیٔم:

ز

بڠٱخش موزایٔم ڨابیوم.

دٱ سال آزگارٱ ٱنگلاتت بیمٱ.

مٱزونم دردم چارٱ نیٔیری.

بیٔایٔت چاٌن گلاٌ چی بٱنیسیٔم.

زیارت..

راز...

ایسأ چاٌن گلاٌ چی بٱنیسیٔت کاْ ز دش با.

..

..

کوت نۆزداٗیٛم:

ژٛ

اٗرا شٛؤم رۆژٛ نمای.

ژٛار بیماٗ د داٗس رۆزگار.

هیچ اٛژٛباری نیڎ.

بیٛاٰیٛت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛم.

....

....

ایساٛ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛت کاْ ژٛ دش با.

....

....

کوت بیسدم:

س

سلامت بۊی.

سر کۊیچاٱ نیشتماٱ.

ساٱد ساڵاٱ کاٱ هایی د ڤیرم.

بیاٛیت چاٱن گلاٱ چی باٱنیسیٛم.

سیاست..

کاساٱ...

ایساٱ چاٱن گلاٱ چی باٱنیسیٛت کاٱ س دش با.

....

....

کوت بیس یأکم:

ش

علیمردۊن خان شیٛر پیٛا بی.

سۊرماً نأکیش آ چاٗمت.

ایٛمشۊ میام هوناً.

بیٛایٛت چاٗن گلاٗ چی بأنیسیٛم.

شادباش...

شن..

ایساٗ چاٗن گلاٗ چی بأنیسیٛت کاٗ ش دش با.

....

....

کوت بیس دوۂم:

ص

صاقۂن سی تمیسی خوقاۂ.

ماۂ خوصاٗ میۂرم.

سی چیۂ خلاص نموٗاٗ

بیۂاۂیت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیۂم.

خلاصہ...

مخصوص...

ایساۂ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیۂت کاۡ ص دش با.

..

..

کوت بیس و سیٛم:

ض

ماْ ديرم رياضياٚ ماٚخونم.

اى موضوع موناٛ كلافاٛ كرداٛ.

ناٚبضم نمیٛ زناٚ.

بيٛايٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنيسيٛم.

ضامن...

ضرر...

ايساٛ چاٚن گلاٚ چی باٚنيسيٛت كاْ ض دش با.

..

..

کوت بیس و چارم:

ط

طناف ب لوری أبق فوریس.

مأ طاقآت نیٸرم.

طارم قلات کوچکیأ.

بیٸایت چآن گلاٌ چی بآنیسیٸم.

طریق...

مطلب...

ایسأ چآن گلاٌ چی بآنیسیٸت کأ ط دش با.

...

...

کوت بیس و پنجم:

ظ

تۆ انظباط نیٹیری.

حاٛظ کردوم سی آفوٛتنت.

سی کارم ملاظاً کردماً .

بیاٹیت چاٛن گلاٛ چی باٛنیسیٹم.

ظالم...

منظبط..

ایساً چاٛن گلاٛ چی باٛنیسیٹت کاُ ظ دش با.

...

...

کوت بیس شیشوم:

ع

عٛلی شاپیٛا ڨیرگاراٗ.

فقط عشقاٗ کاْ ماٗمینی.

کار حاٗساٗن عالی بی.

بیٛائیٛت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛم.

علم..

علیل..

ایساٛ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسیٛت کاْ ع دش با.

....

....

كوت بيس و هاًفتم:

غ

باغڤونى كسم خوَئيٿاً.

اًلغانى شاعر عرؤیٛ بياًساً.

غاز ياً بالندياۡ.

بيٿايٿت چاًن گلاًٌ چى باًنيسيٿم.

غبار...

غيظ...

ايساۡ چاًن گلاًٌ چى باًنيسيٿت كاۡ غ دش با.

....

....

کوت بیس و هاٚشدم:

ف

قلا فلاٚکول اٚفلاک ها نوم خورموٚاٚ.

فال چلٛ سرق بلاٚلی.

فارسی زۊن جاڤاٚنداٛ ڤولات ایرانـاٛ.

بیٛایٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

فن...

فال..

ایساٛ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاٛ ف دش با.

..

..

کوت بیس و نوۺم:

ق

بالندأیاٚل خوش دونـگ ناٚ أکونن ب قفس.

قرارت ڨأگاٚرد خودا أ ڨیرت ناٚچق.

مأ قاٚلی مۍ بافم.

بۺاۺت چاٚن گلاٚ چی بأنیسۺم.

قوم...

قیاس...

ایسأ چاٚن گلاٚ چی بأنیسۺت کأ ق دش با.

...

...

کوت سییٛم:

ۋ یاٚ گلاٚ چی کاٛ ها مینجا ڤ و ف(معادل حرف w در انگلیسی که در بختیاری میوندی، مینجایی بالاگریوه ای، مینجایی شوهانی و لکی کاربرد دارد)

سیۋ تویسرکوںٛ نازاراٚ.

ای عطراٚ ماٛری گولاڤاٚ.

ڤۋاٚس کوجنی

بیٛایٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

سیب..

..

ایساٛ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاٛ ۋ دش با.

...

...

کوت سی و یاًکم:

ک

ائمام حاًساًن کریم آهل بیتاً.

کسم و کار سی خاًرج زئشت لازوماً.

کسمش کسم نازاریاً.

بیایت چاًن گلاً چی باًنیسیئم.

کار...

کائد..

ایساً چاًن گلاً چی باًنیسیئت کاً ک دش با.

...

...

کوت سی و دوێم:

کۿ یاٚ گلاٚ ک لۏری دۏماٚنی(یک نوع ک خاص لری جنوبی)

تو چی ۿینی ڨا روزگار.

ۿوچق ایراٚتوم.

بیاییت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیم.

کوچه..

..

ایساٚ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیت کاْ کۿ دش با.

..

..

کوت سی و سئیٛم:

گ

گاٚمال گیٛوندار چارپایٛکاٚ.

اٙ راٚگڤار کیچاٙ تاٚنیایٛی اٙی سۊز پۊش هایی کوجا!

اٙسلام دین یاٚکاگریاٙ.

بیٛایٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

گناه...

گاری...

ایساٙ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاٙ گ دش با.

...

...

کوت سی و چارم:

گ̮ یاْ گلاٚ گ، مینجایی، بختیاری میوندی و لکی

مانگ̮ا فراٚ شیٛر دیری.

تفاٚنگ̮ سی جاٚنگ̮اٚ.

جاٚنگ̮ فراٚ گاٚناٚ.

بیٛاییٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

فشنگ ....

جنگ ....

ایساْ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاْ گ̮ دش با.

...

...

کوت سی و پآنجم:

ل

گول هآرسین سورآ.

دلم درد میکآ.

گولوم مآهلی قآم دیرآ.

بیاثت چآن گلآ چی بآنیسیثم.

گیلان..

مال...

ایسآ چآن گلآ چی بآنیسیثت کآ ل دش با.

...

...

کوت سی و شیشم:

ڵ

کوڵ ڤلاتش فرآ رآنگپیناآ.

زڤن ڵکی هین ایمآ لریلاآ .

بیاڽت چاآن گلاآ چی بآنیسیم.

لکی...

لاک پشت..

ایسآ چاآن گلاآ چی بآنیسیت کاْ ڵ دش با.

...

...

كوت سی و هاًفتم:

م

ایساٛ آٛرنت مارم.

تونی هاًماٛ دار و نذاروم.

ها میری؟

بیٛاییٛت چاٛن گلاٌ چی باٛنیسیٛم.

مار...

مال..

ایساٛ چاٛن گلاٌ چی باٛنیسیٛت کاْ م دش با.

...

...

کوت سی و هەشدەم:

ن

ژنێ دیرێ مایێ.

مالکانێن دلوم ناهوڤارا.

دۆسیاکام بار کردنا کاس نێ ڤ جاشونێ .

بێانێت چان گلا چی بانیسێم.

نان...

نیاز...

ایسا چان گلا چی بانیسێت کا ن دش با.

....

....

کوت سی و نوۺم:

ڽ

آسموڽ صافاٗ.

ۊرسونیا بیشتر هان د ۊرسوڽ .

هیچ نوڽ ناریتوڽ .

بۺاۺت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسۺم.

شانه..

نان..

ایساۡ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسۺت کاۡ ڽ دش با.

...

...

کوت چلم:

ڤ

ڤژم و ڤژت مؤیمن ایماً

بیؤ ڤادیاری آی صاحاڤ گات و زمؤن.

مأ ڤا تؤنم.

بیٲیت چآن گلاً چی بآنیسیٳم.

با..

باهم..

ایسأ چآن گلاً چی بآنیسیٳت کاْ ڤ دش با.

....

....

کوت چڵ و یاٜکم:

ۏ

غذا فراٜ شۏراٜ

تیام کۏر ڤیڎن

بیٛایٛت چاٜن گلاٜ چی باٜنیسیٛم.

شما..

شور...

ایساۡ چاٜن گلاٜ چی باٜنیسیٛت کاۡ ۏ دش با.

...

...

کوت چڵ و دوێم:

و سی ضمه(برای ضمه)

مو کاْ توناٛ نیاٗشنوم

نوم هۊماٗ کیاٗ.

نوم خودا سی یارم.

بێاێت چاٗن گلاٗ چی باٗنیسێم.

خدا..

ترکمنستان..

ایساٛ چاٗن گلاٗ چی باٗنیسێت کاْ و دش با.

...

...

کوت چل و سێم:

ۆ سی ضمه لۆری لکی و مینجایی (برای یک نوع ضمه کشیده خاص لکی و مینجایی)

ساعت نۆ ایڕاٙ بیماٙ.

دۆ نیماٙرۆ خوٙاٙ.

بیاێت چاٙن گلاٙ چی باٙنیسێم.

تو...

دو...

ایساٙ چاٙن گلاٙ چی باٙنیسێت کاٙ ۆ دش با.

...

...

كوت چل و چارم:

ۊ

شۊ بی دونگاٛ.

ماٛ اٛ تو دۊیرم.

بیاٛیٛت چاٛن گلاٛ چی باٛنیسیٛم.

شب..

تب...

ایساٛ چاٛن گلاٛ چی باٛنیسیٛت کاٛ ۊ دش با.

....

....

کوت چل و پنجم:

ۊ سی ضمه قۊئین (برای ضمه کشیده)

اَمرۊ اَفۊدۊم هۊناَ.

ای جانیٛا مئنۊناَ ناراَ.

شۊ و رۊژ هاَر خاَمینم.

بیٛایٛت چاَن گلاَ چی باَنیسیٛم.

گرد و خاک..

سبز..

ایساٛ چاَن گلاَ چی باَنیسیٛت کاٛ ۊ دش با.

...

...

کوت چل و شیشم:

ه

ها رۊئم هۊناٚ.

هاٚناساٚ سردم دیار نیٛاٚ.

هاٚقا ایچو ماٚهلی خاٚشاٛ.

قا باهار بیۊ قا دیار.

بیٛاٛیت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

هادی..

همچنین..

ایساٛ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاْ ه دش با.

....

....

كوت چل و هآفدم:

ێ سی یا مجهول(برای یا مجهول)

شێر مآهلی خآشآ.

یو ز هو بێترآ.

بێائێت چآن گلآ چی بآنیسێم.

بێار...

دێار..

ایسآ چآن گلآ چی بآنیسێت کآ ێ دش با.

....

....

کوت چل و هٚشدوم:

ی

ایران ها میٛنجا ٚفتاوزٚنون.

ای هۊناٚ تازاٚ سازاٚ.

تا ایسکاٚ ناٚچیماٚ ڤراٚ.

بیٛاییٛت چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛم.

چین...

دیدن...

ایساٚ چاٚن گلاٚ چی باٚنیسیٛت کاْ ی دش با.

....

....